

پیام تبریک
مصطفی
هجری



گفتگو با
مصطفی
هجری



آیا ایجاد
شکاف و
دشمنی ...



۳۳
اردیبهشت،
فیزش ...



میراث
گذشتگان
یا امانت...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۵۸۱، یکشنبه، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۱، ۲۰ مه ۲۰۱۲، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

سلفن

آلان

انباشت ستم بر ملیت‌های ایران

از بدو روی کار آمدن و شکل‌گیری رژیم جمهوری اسلامی، شکاف میان مرکز و پیرامون، در تمامی زمینه‌ها به طور روزافزونی بر جغرافیای ملیتی منطبق شده و حتی شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی فراگیر را نیز به نحوی بر نقشه‌ی دموگرافیک افزوده است. بدین معنا که تبعیضات و ستم‌های مذهبی نیز به عنوان ارمغان حکومت دین‌فروشان ولایت فقیه در بسیاری از این مناطق همپوشانی شگرفی با ستم‌های ملی پیدا کرده‌اند. این ستم مضاعف بر سوژه‌هایی واحد، رفته رفته تمامی عرصه‌ها اعم از اقتصاد، رسانه، حقوق بشر، محیط زیست، منزلت فردی و اجتماعی و ... را نیز دربر گرفته و این عوامل نیز هر یک به نوبه‌ی خود تبدیل به عاملی تأثیرگذار در جغرافیای توزیع ستم و تبعیض شده‌اند. مثال بارز این ستم‌ها را می‌توان در بی‌اهمیت دانستن مرگ دریاچه ارومیه، به عنوان محیط زیستی که قربانی اراده‌ی معطوف به ستم ملی بر ساکنان پیرامونی‌اش شده، مشاهده نمود.

امروز جغرافیای آیدز، جغرافیای بیکاری، جغرافیای خودکشی، جغرافیای اعتیاد، جغرافیای فقر و جغرافیای خشونت دولتی در ایران تطابقی باورنکردنی با جغرافیای ملی پیدا کرده‌اند.

تصادفی نیست که بلوچستان، ایلام، کرمانشاه، خوزستان، یاسوج، لرستان، سندسندج و بجنورد کمابیش همان مناطق و استان‌هایی هستند که ساکنان آن مورد ستم‌های هم‌زمان ملی، مذهبی، طبقاتی، رسانه‌ای و ... قرار دارند.

سرکوب‌های اخیر در بلوچستان و خطر اعدام شش فعال عرب اهوازی، تداوم همین روند انباشت ستم‌ها در مناطق ملیت‌های تحت ستم است که ریشه‌ی اصلی آن در ضدیت رژیم جمهوری اسلامی و شوینیزم مرکزگرای ایرانی با هویت و مطالبات ملی برحق این مردمان نهفته است. لذا می‌توان گفت تمامی ستم‌های انباشته‌شده بر ستم و تبعیض ملی در این مناطق، در حقیقت پروژه‌هایی برای تقویت و تحکیم سیاست آپارتاید ملی حاکم بر ایران هستند و این همان راز نهفته در ورای تطبیق و تطابق جغرافیایی ستم‌های گوناگون بر یکدیگر در کردستان و سایر مناطق ملیت‌های تحت ستم ایران است.

خطر اعدام، شش فعال عرب اهوازی را تهدید می‌کند



سازمان عفو بین‌الملل، در بیانیه‌ای نسبت به خطر اعدام شش تن از شهروندان عرب اهوازی هشدار داد. این سازمان در بیانیه‌ی خود آورده است که این شش تن به اتهام محاربه در معرض خطر اعدام قرار دارند. این متهمان قرار است ۲۰ ماه می‌جاری، در شعبه ۲ دادگاه انقلاب دزفول محاکمه شوند.

عفو بین‌الملل نام و مشخصات این افراد را چنین اعلام کرده است:

محمدعلی عموری (وبلاگ‌نویس)، هاشم شعبانی (دبیر)، رحمان عساکره (دبیر شیمی)، هادی راشدی (دبیر)، سیدجابر آلبوشوکه و برادر جوانتر او سیدمختار آلبوشوکه که همگی از اهالی شهر خلف‌آباد یا رامشیر در استان خوزستان هستند.

به گفته‌ی شاهدان عینی، این شش تن در زندان شکنجه شده و دچار بیماری‌های گوناگون شده‌اند. این شش نفر یک سال پیش در آستانه‌ی سالگرد اعتراضات مردم عرب اهواز در سال ۲۰۰۵ و بدون اینکه اتهام مشخصی به آنها تفهیم شود در منازل خود در خلف‌آباد دستگیر و سپس به زندان منتقل شده‌اند. این بیانیه دلیل بازداشت این افراد را ارتباط آنان با فعالان عرب اهوازی ذکر کرده است.

عفو بین‌الملل اعلام نموده است که اتهام مهم "محاربه با خدا" و "فساد فی الارض"

از راه "اقدام علیه امنیت ملی از طریق تجمع غیرقانونی" و "تبلیغ علیه نظام" پس از محاکمه‌ای کمتر از ۵ دقیقه‌ای به این شش

اتحاد اعراب، خشم جمهوری اسلامی را برانگیخت



لقمه‌ای نیست که به سادگی از حلقوم کسی پائین رود. به گزارش خبرگزاری فرانسه از ریاض، دولت عربستان در واکنشی شدید اللحن از رژیم تهران خواست که از این گونه دخالت‌ها در امور مربوط به عربستان و بحرین خودداری کند.

سعود الفیصل، وزیر امور خارجه عربستان سعودی اظهار داشت، مسائل مربوط به عربستان و بحرین، هیچ ربطی به رژیم تهران ندارد و این رژیم بهتر است در امور این دو کشور دخالت نکند. شیخ خالد آل خلیفه، وزیر امور خارجه بحرین نیز ایران را به مداخله آشکار در امور داخلی بحرین متهم کرده و این دخالت را به شدت محکوم نموده است.

طرح اتحاد بحرین و عربستان به تنش روزافزون میان رژیم ایران و دولتهای عربی دامن زد.

روزنامه حکومتی کیهان اعلام کرد: «بحرین پاره تن ایران است و به جای اینکه به عربستان ملحق شود باید به سرزمین اصلی خود یعنی ایران بازگردد.»

۱۹۰ نماینده مجلس نیز با انتشار بیانیه‌ای طرح اتحاد بحرین و عربستان را محکوم کردند. حسینعلی شهبازی نماینده زاهدان در مجلس رژیم گفته بود: "اگر قرار است اتفاقی در بحرین بیفتد، بحرین حق جمهوری اسلامی ایران است، نه عربستان." علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز با تأیید این اظهارات گفته، بحرین

تمرکز فشارها بر رژیم ایران بیشتر می‌شود



با این حال، خبرگزاری رویترز در گزارشی از وین می‌گوید، ایران به نصب سانتریفیوژهای جدید در تأسیساتی زیرزمینی مشغول است.

از سوی دیگر، به گزارش رادیو فردا، بر پایه نظرسنجی مؤسسه PEW، ۶۳ درصد از آمریکایی‌ها طرفدار استفاده از گزینه نظامی علیه ایران هستند.

دانیل شاپرو، فرستاده آمریکا به اسرائیل نیز اعلام کرده است که واشنگتن آماده است در صورت لزوم برای ممانعت از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، از گزینه نظامی استفاده کند و در حال حاضر برنامه‌هایی را برای حمله احتمالی تدارک دیده است.

مجلس نمایندگان کنگره آمریکا روز سه شنبه قطعنامه‌ای را به بحث گذاشت که هدف آن بستن دست رئیس جمهوری آمریکا در ارتباط با ایران تلقی می‌شود.

در این قطعنامه از رئیس جمهوری خواسته می‌شود با تأکید بر غیرقابل قبول بودن یک ایران مجهز به جنگ افزارهای اتمی، با هر سیاستی که در برابر خطر هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران، تنها بر گزینه "مهار و محاصره" متمرکز باشد، مخالفت کند.

این قطعنامه همچنین هر گونه سیاستی را که بر مبنای "تحمل و محدود سازی ایران اتمی" باشد، مردود دانست. مخالفان، تصویب این قطعنامه را زمینه‌ساز جنگ با رژیم ایران ارزیابی می‌کنند.

پیام تبریک مصطفی هجری به "محمد فرج" دبیر کل اتحاد اسلامی کردستان



جناب کاک محمد فرج
دبیرکل اتحاد اسلامی کردستان
با سلام و احترام!

به مناسبت انتخاب جنابعالی به عنوان دبیرکل اتحاد اسلامی کردستان در ششمین کنگره حزبتان، مراتب تبریک خود را به شما و از طریق جنابعالی به تمامی اعضای رهبری منتخب در این کنگره تقدیم می‌نمایم.

امیدوارم اتحاد اسلامی با رهنمودها و تحت رهبری جنابعالی همچنان در حوزه‌های مسائل

ملی و اعتدال سیاسی که تاکنون مشی مورد پسند اتحاد اسلامی بوده است، فعال باشد. در این وظیفه مهم و در این موقعیت حساسی که کردستان در حال گذار از آن است، برایستان آرزوی موفقیت می‌کنم.

حزب دمکرات کردستان ایران
دبیرکل
مصطفی هجری
۵ مه ۲۰۱۲ میلادی
۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ شمسی

محکومیت دو شهروند به ۳۲ سال زندان و بی‌خبری از یک زندانی سیاسی

حبس محکوم می‌شود که بیش از دو سال از زمان بازداشت وی در زندان رجایی شهر کرج می‌گذرد.

بنابر گزارشی دیگر از خبرگزاری هرا، جهانگیر بادوزاده زندانی سیاسی در زندان ارومیه به دلیل اعتراض به برخورد مسئولین زندان و شکایت از یکی از مسئولین حفاظت زندان ارومیه به سلول‌های انفرادی این زندان منتقل شده است.

از وضعیت این زندانی سیاسی کرد در زندان ارومیه که از تاریخ ۱۷ اردیبهشت سال جاری در سلول‌های انفرادی این زندان بسر می‌برد، هیچ گونه اطلاعی در دست نیست.

جهانگیر بادوزاده از سال ۱۳۸۳ بدون مرخصی در زندان ارومیه محبوس می‌باشد. وی در حکم بدوی به اعدام و سپس در دادگاه تجدید نظر به حبس ابد محکوم شد.

یک شهروند در سقز به ۳۰ سال زندان و شهروندی دیگر در زندان رجایی شهر به ۲ سال حبس محکوم شدند و وضعیت یک زندانی سیاسی کرد در زندان ارومیه مبهم است.

به گزارش آژانس خبری موکریان، مطلب احمدیان شهروند اهل بانه از سوی دادگاه انقلاب سقز به اتهام همکاری با احزاب مخالف ۳۰ سال زندان بر وی تحمیل شده است.

وی دو سال پیش توسط نیروهای امنیتی رژیم دستگیر و مدت زیادی را در سلول انفرادی بسر برده و اکنون در زندان مرکزی سقز دوران حکم تحمیلی‌اش را سپری می‌کند.

به گزارش هرا، شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران سبنا ظهیری زندانی سیاسی را به اتهام همکاری با یک حزب مخالف رژیم به ۲ سال حبس محکوم کرد.

سبنا ظهیری در حالی به تحمل ۲ سال

سپاه پاسداران تفریحگاهی دیگر در مریوان را اشغال کرد

سپاه پاسداران یکی دیگر از تفریحگاه‌های مریوان در اطراف دریاچه زیبای زریبار را به کنترل خود درآورده و از رفت‌وآمد شهروندان به آن ممانعت به عمل می‌آورد.

بنابر گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا، سپاه پاسداران رژیم ایران نیروهای زیادی را در تفریحگاه "دشت کولان" در اطراف زریبار مستقر کرده و رفت‌وآمد دوستداران طبیعت و شهروندان را به این مکان تفریحی ممنوع و هر نوع رفت‌وآمدی را کنترل می‌کند.

در این رابطه، سپاه پاسداران مونومنتی را در نزدیکی تفریحگاه مذکور به یاد عملیات والفجر ۴ جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۵ ساخته است.

سپاه پاسداران با ساخت این مونومنت می‌خواهد قدرت خود را در سرکوب‌ها و مقابله با حرکت‌های آزادیخواهانه به رخ شهروندان بکشد.

یک شهروند کرد به اتهام محاربه به اعدام محکوم شد

یک شهروند اهل سقز از سوی دادگاه انقلاب این شهر به اتهام محاربه و وابستگی به یک حزب مخالف رژیم به مرگ محکوم شده است.

به گزارش آژانس خبری موکریان، دادگاه انقلاب سقز در استان کردستان حکم اعدام سمو خورشیدی را به اتهام محاربه و درگیری مسلحانه و وابستگی به یک گروه غیر قانونی و... در زندان سقز به وی ابلاغ کرده است.

سمکو خورشیدی در فروردین ماه سال ۹۰ در تهران دستگیر و پس از سپری نمودن مدتی از ایام بازداشت در زندان سنندج، هم اکنون در زندان مرکزی سقز به سر می‌برد.

این شهروند که هم اکنون در زندان سقز

محبوس است، ۲۰ روز مهلت دارد تا به حکم صادره علیه خود اعتراض کند.

در روزهای اخیر ۴ زندانی سیاسی دیگر کرد از سوی دستگاه قضایی رژیم حکم اعدام بر آنان تحمیل شده است. غلامرضا خسروی سواد جانی از سوی دیوان عالی کشور و سیروان نژادی و ابراهیم عیسی پور از سوی دادگاه انقلاب مهاباد سه تن از زندانیان سیاسی هستند که اخیرا حکم اعدام علیه‌شان صادره شده است. همچنین هوشنگ رضایی، نیز پس از یک محاکمه چند دقیقه‌ای در دادگاه انقلاب تهران به اتهام محاربه از طریق ارتباط و همکاری با یکی از احزاب کرد مخالف رژیم حکم مرگ گرفته است.

به شهادت رسیدن یک عضو حدکا توسط نظامیان رژیم



یکی از اعضای حزب دمکرات کردستان ایران در آشنویه بدون هیچ دلیلی با شلیک مستقیم نیروهای رژیم جانش را از دست داد.

بنابر خبر رسیده به وب‌سایت کوردستان میدیا، یوسف معروفی فرزند عبدالله، اهل آشنویه روز ۲۵ فروردین سال جاری بر اثر شلیک مستقیم نیروهای نظامی رژیم ایران کشته شد.

بنابر گزارشی وب‌سایت خبری کردپا، روز ۲۸ اردیبهشت ماه سال جاری "عمر محمدزاده" شهروند بوکانی در استان آذربایجان غربی بعد از احضار به شعبه‌ی یک دادگاه انقلاب مهاباد به اتهام تبلیغ و همکاری با احزاب کرد اپوزیسیون رژیم ایران حکم چهار سال حبس دریافت نموده است. بنابر این گزارش، این شهروند کرد بیشتر توسط مأموران اداره‌ی اطلاعات شهرستان بوکان بازداشت و بعدها با تودیع وثیقه‌ی ۳۰ میلیون تومانی به صورت موقت تا هنگام برگزاری دادگاه از زندان آزاد شده بود.

اقدام خودجوش مردم مریوان جهت مقابله با اعتیاد

عراق راه اصلی اشتغال این جوانان است، که آن هم از سوی سپاه پاسداران مسدود شده است.

به گفته مردم منطقه، رژیم قصد دارد از بیکاری جوانان سوءاستفاده کرده و جهت مقابله با گسترش احساسات ملی، این جوانان را به دام اعتیاد بیاندازد.

مردم روستاهای منطقه خاومیرآوا با برگزاری جلساتی خودجوش در زمینه اعتیاد به مواد مخدر به‌نوعی اطلاع‌رسانی می‌کنند و تلاش می‌کنند تا جوانان را از افتادن در دام رژیم برحذر دارند.

شهروندان مریوانی به صورت خودجوش با برگزاری جلساتی به آگاه سازی مردم از تبعات مخرب مواد مخدر پرداخته‌اند، که مدتی است رژیم در حال ترویج آن در روستاهای منطقه می‌باشد.

بنابر اطلاعات رسیده به وب‌سایت کوردستان میدیا و به گفته مردم بومی، افراد وابسته به سپاه پاسداران رژیم در بخش "خاومیرآوا" از توابع مریوان در استان کردستان اقدام به پخش مواد مخدر و ترویج پدیده اعتیاد در میان جوانان کرده‌اند. کاسبی در مرزهای کردستان ایران و

فشار حراست بر دانشجویان دانشگاه ارومیه شدت یافت

حراست دانشگاه پیام نور ارومیه به دانشجویان این دانشگاه هشدار داده است در صورت عدم رعایت پوشش اسلامی از ورود آنها ممانعت به عمل خواهد آمد.

به گزارش وب‌سایت کوردستان میدیا و به گفته یکی از دانشجویان این دانشگاه، حراست دانشگاه پسران دانشجویی را که لباس آستین کوتاه می‌پوشند، و دختران دانشجویی را که حجاب را به طور کامل رعایت نمی‌کنند، از ورود

به دانشگاه منع می‌کند. پس از مطرح نمودن طرح تفکیک جنسیتی و اسلامی کردن دانشگاه‌ها فشارهای حراست بر دانشجویان تشدید شده است.

در آستانه تابستان و فرا رسیدن گرما، رژیم فشارهایش را بر جوانان ایرانی در سطح شهرها و در دانشگاه‌ها به بهانه حفظ حجاب شدت بخشیده است.

مرگ یک زندانی در زندان سنندج

یک زندانی محبوس در زندان سنندج بر اثر بیماری جانش را از دست داد.

آژانس خبری موکریان به نقل از هم‌بندی‌های این زندانی گزارش داد، سامان امینی اهل سنندج که حدود ۶ ماه بود از بیماری در ناحیه گردن رنج می‌برد، روز ۲۱ اردیبهشت ماه در زندان مرکزی سنندج جان خود را از دست داد.

براساس ماده ۱۱۸ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها معاینه و معالجه محکومان بیمار در زندان‌ها به عهده اداره زندان می‌باشد.

محکومیت یک شهروند بوکانی به زندان

یک شهروند بوکانی به اتهام همکاری با احزاب کردی از سوی دادگاه انقلاب شهرستان مهاباد مجبور به تحمل چهار سال حبس شده است.

به گزارش وب‌سایت خبری کردپا، روز ۲۸ اردیبهشت ماه سال جاری "عمر محمدزاده" شهروند بوکانی در استان آذربایجان غربی بعد از احضار به شعبه‌ی یک دادگاه انقلاب مهاباد به اتهام تبلیغ و همکاری با احزاب کرد اپوزیسیون رژیم ایران حکم چهار سال حبس دریافت نموده است. بنابر این گزارش، این شهروند کرد بیشتر توسط مأموران اداره‌ی اطلاعات شهرستان بوکان بازداشت و بعدها با تودیع وثیقه‌ی ۳۰ میلیون تومانی به صورت موقت تا هنگام برگزاری دادگاه از زندان آزاد شده بود.

دانشجویان ارومیه‌ای اجازه اعتراض نیافتند

استانداردی و فرمانداری ارومیه مجوز تجمع تشکل‌های دانشجویی دانشگاه ارومیه در راستای اعتراض به گرانی‌های اخیر را لغو کردند.

به گزارش وب‌سایت ایران نیوز و به نقل از "خبرگزاری دانشجویان" قرار بود تشکل‌های دانشجویی دانشگاه ارومیه روز ۲۴ اردیبهشت جاری بعد از اخذ مجوز از فرمانداری ارومیه، در اعتراض به گرانی‌ها و افزایش قیمت‌های اخیر، مقابل ساختمان استانداری آذربایجان غربی تجمع کنند.

مجوز این تجمع از سوی مسئولان رژیم لغو و اجازه هیچ گونه تجمعی به تشکل‌های دانشجویی داده نشد.

اخراج ۳۵۰ کارگر سقزی و عدم پرداخت حقوق کارگران در مهاباد

بیش از ۳۵۰ کارگر کارخانه "قند مادنوش سقز" اخراج و ۸۰۰ کارگر نیز در سال جدید تمدید قرارداد نشده‌اند. کارگران مجتمع دامداری مهاباد هم از ۷ ماه پیش حقوقی دریافت نکرده‌اند.

یک فعال کارگری به خبرگزاری کار ایران گفته است، از مجموع ۱۶۰۰ کارگر کارخانه قند مادنوش سقز بیش از ۳۵۰ کارگر اخراج شده و ۸۰۰ کارگر دیگر نیز در سال جدید تمدید قرارداد نشده‌اند. محمد صالح حسینی در این گفتگو با اشاره به وضعیت بحرانی واحدهای تولیدی در شهرک صنعتی سقز، تصریح کرده است: کارخانه قند مادنوش واقع در این شهرک به دلیل کمبود مواد اولیه و نوسانات نرخ ارز دچار مشکل شده و در آستانه تعطیلی قرار دارد.

در سال گذشته "برنج" جان ۴۶۰ جوان ایرانی را گرفت

بر اساس گزارش‌ها در سال گذشته حداقل ۴۶۰ جوان کمتر از ۳۰ سال با قرص برنج خودکشی کردند، که این آمار ۱۴ درصد افزایش نشان می‌دهد. بر اساس گزارش پزشکی قانونی ایران، آمار مرگ بر اثر مسمومیت طی سال‌های اخیر روندی صعودی داشته به طوری که رقم ۲۱۴ مورد مرگ بر اثر مسمومیت قرص برنج در سال ۸۷ به ۴۶۳ مورد در سال ۹۰ رسیده است. خبرگزاری مهر به نقل از یک پزشک گزارش می‌دهد، نبود نظارت بر عطاری‌ها موجب شده است تا آنها قرص‌های مرگ‌آور برنج را به آسانی در اختیار شهروندان قرار دهند.

به گفته این متخصص، در مسمومیت با قرص‌های دیگر ۹۹ درصد بیماران زنده می‌مانند اما در مسمومیت با قرص برنج ۹۹ درصد بیماران جان خود را از دست می‌دهند.

بنابر این گزارش، شایع‌ترین مینی بر شادی‌آور بودن قرص برنج در میان جوانان بخش شده است و این موضوع باعث شده تا برخی از جوانان آن را به جای قرص‌های روانگردان مصرف کنند.

خودکشی با قرص برنج یکی از دردناک‌ترین انواع خودکشی است، به طوری که فرد دردهای شدیدی را تا هنگام مرگ متحمل می‌شود.

قرص برنج که به نام فسفید آلومینیوم نیز شناخته می‌شود، یک عدد آن قادر است هزاران شسته را از بین ببرد. این قرص از خود گاز فسفید تولید می‌کند و از آن برای جلوگیری از آفت زدگی برنج در انبار استفاده می‌شود. مسمومیت با این قرص هم از راه استنشاق، هم از راه تماس پوستی و هم به صورت خوراکی اتفاق می‌افتد. مصرف خوراکی آن باعث تهوع، درد معده، استفراغ، اسهال، تنگی نفس، احساس سرما، عطش، سر درد، تشنج و کما می‌شود.

فعال کارگری: موج جدید اخراج کارگران به راه افتاده است

دبیر اجرایی خانه کارگر با هشدار نسبت به عواقب اخراج کارگران توسط بنگاه‌های بزرگ ایران، می‌گوید: تشدید بحران و رکود اقتصادی موجب بیکاری روبه‌افزایش کارگران شده است.

اسماعیل حق پرستی با بیان اینکه موج جدیدی از اخراج کارگران به راه افتاده، به خیرگزاری کار ایران گفت: اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی با افزایش مشکلاتشان ناچارند با بخش اعظمی از نیروی کار خود تمدید قرارداد نکنند یا نسبت به اخراج آنان اقدام کنند. وی می‌افزاید، اکثر هتل‌داران نیز بخاطر کاهش مسافران خارجی مشکل پیدا کرده و کارگران خود را اخراج می‌کنند.

بر طبق آمارهای منتشره از سوی مرکز آمار ایران، تعداد بیکاران در سال‌های اخیر رو به افزایش گذاشته است، آماري که حتی با آمارهای غیررسمی نیز تفاوت فاحش دارد.

بر اساس آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران، آمار بیکاری در سال‌های اخیر روندی افزایشی داشته و در سال گذشته خورشیدی با وجود این که جمعیت فعال کشور ۵۰۰ هزار نفر کاهش یافته، اما ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بیکار بوده‌اند. در میان آمارهای غیررسمی از جمعیت بیکار ایران و آمارهای رسمی تفاوتی فاحش وجود دارد، به نحوی که تعداد بیکاران بنابر آمارهای غیررسمی دو برابر آمارهای رسمی نشان می‌دهد. به عنوان مثال در سال ۱۳۹۰ بر طبق آمارهای غیررسمی به ازای هر ۳٫۶ نفر شاغل یک نفر بیکار بوده است، اما بنابر آمارهای رسمی به ازای هر ۷٫۳ نفر شاغل تنها یک نفر بیکار بوده است.

در اعتراضات بلوچستان تعدادی کشته و زخمی شدند

در درگیری‌های صورت گرفته میان مردم بلوچ و نیروهای انتظامی رژیم در شهرستان سرباز، تعدادی از شهروندان بلوچ کشته و یا زخمی شده‌اند.

به گزارش "مرکز مطالعات بلوچستان"، اوضاع شهرستان سرباز بعد از ترور یکی از مولوی‌های حامی حکومت، در چند ماه گذشته و دستگیری حدود پانزده نفر از افراد محلی از جمله رهبران مذهبی اهل سنت به اتهام دست داشتن در قتل این مولوی طی چند هفته اخیر بسیار ملتهب بوده است.

بنابر گزارش‌ها در درگیری‌های صورت گرفته، تعدادی از تظاهرکنندگان بلوچ کشته و زخمی شده‌اند. وب‌سایت جرس تعداد آنها را یک کشته و دو زخمی گزارش کرده است.

بقای سنجاب‌های زاگرس در معرض نابودی است



نسل سنجاب زاگرس که زیستگاه اصلی آنها جنگل‌های پیرانشهر و سردشت است به دلیل جمع‌آوری میوه‌های بلوط توسط مردم و اسارت بی‌اندازه توسط شکارچیان برای فروش، در حال انقراض است.

به گزارش خبرگزاری مهر، برخی سودجویان و شکارچیان به دلیل عدم آگاهی یا منفعت طلبی، از ارزش زیستی سنجاب ایرانی یا خبر نبوده و اقداماتی انجام می‌دهند که بقای این جانور زیبا را در معرض انقراض قرار داده است.

در این گزارش آمده است، دانه‌های بلوطی که توسط سنجاب‌های ایرانی جمع‌آوری و زیر خاک مدفون می‌شود ارزش بالایی در گسترش و

به گفته اهالی فوتبال: دولت از رشد فوتبال کردستان حمایت نمی‌کند

رئیس هیأت فوتبال کردستان، رژیم را در مورد عدم حمایت از فوتبال استان مورد انتقاد قرار داد و ذوالفقارنسب نیز می‌گوید: مدیران و مسئولان استان به جای حمایت، از رشد فوتبال ممانعت به عمل می‌آورند.

بهنام نظری، رئیس هیأت فوتبال استان کردستان، با انتقاد از این که "حمایت‌های بخش‌های صنعتی دولت به چند استان محدود" می‌شود، می‌افزاید: کردستان در رشته ورزشی فوتبال استعدادها و ظرفیت‌های بسیار خوبی در اختیار دارد، ولی دولت از فوتبال استان حمایت نمی‌کند.

وی با اشاره به حضور حدود ۲۰ بازیکن کردستان در لیگ برتر و دسته اول باشگاه‌های فوتبال، می‌گوید: متأسفانه حمایت شرکت‌های دولتی تنها به استان اصفهان و یکی دو استان دیگر معطوف شده است.

از سوی دیگر بیژن ذوالفقارنسب، مربی و بازیکن برجسته فوتبال ایران، با اعلام این که با سرمایه شخصی خود، آکادمی فوتبال در کردستان تأسیس می‌کند، می‌گوید: متأسفانه "مدیران و مسئولان استان نه تنها حمایت نمی‌کنند بلکه با ایجاد مشکلاتی مانع از انجام سریع کار می‌شوند."

نماینده مجلس: دولت در مورد بیکاری، ذهن مردم را منحرف می‌کند

یک نماینده مجلس رژیم با رد ادعای دولت مبنی بر ایجاد دو میلیون شغل، و اذعان به بیکاری ۳۰ درصدی در کشور، می‌گوید: آمارهای ارائه شده از سوی دولت برای منحرف کردن افکار عمومی است.

در همین راستا، قریب به سه هفته پیش، بیش از پانزده نفر از جمله دو مولوی سرشناس منطقه بنام‌های مولانا فتحی محمد نقشبندی امام جمعه راسک و مولوی عبدالله ملازاده امام جمعه پارود به اتهام دست داشتن در قتل مولوی جنگی زهی دستگیر شده‌اند.

دستگیرشدگان در زندان شدیداً تحت فشار هستند تا در مصاحبه‌های تلویزیونی حاضر شوند و علیه جریان‌های معتدل اهل سنت با اعتراف به موارد دیکته شده تبلیغ کنند.

داریوش قنبری، نماینده دور هشتم مجلس، با بیان اینکه نرخ بیکاری موجود در کشور ۳۰ درصد است، می‌گوید: هم اکنون آمارهای رسمی تعداد بیکاران را بیش از سه میلیون نفر اعلام می‌کند، اما در این آمارها زنان و دانشجویان

رژیم ایران در مناطق هم‌مرز با ترکیه اقدام به ایجاد ده‌ها پایگاه نظامی نموده و به گفته ساکنین محلی، قصد میلیتاریزه کردن مناطق مرزی و فشار بر مردم را دارد.

بنابر خبر رسیده به وب‌سایت کوردستان میدیا، سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی رژیم ایران در نوار مرزی سلیمان و ترکیه ده‌ها پایگاه نظامی ایجاد کرده‌اند.

به گفته یکی از اهالی روستای "کوزهرش" در منطقه سلیمان، "این طرح پس از دیدار فرمانده سپاه پاسداران و فرماندار سلیمان وارد مرحله عملیاتی شد."

این شاهد عینی تأکید می‌کند، "قصد رژیم از این اقدام سرکوب و اعمال فشار بر شهروندان کرد است."

ایجاد این پایگاه‌ها در حالی صورت می‌گیرد که مردم این مناطق با بهانه‌های واهی توسط نظامیان رژیم مورد حمله قرار می‌گیرند و تاکنون ده‌ها نفر نیز بر اثر این اقدامات زخمی و کشته شده‌اند.

رژیم ایران در مناطق هم‌مرز با ترکیه اقدام به ایجاد ده‌ها پایگاه نظامی نموده و به گفته ساکنین محلی، قصد میلیتاریزه کردن مناطق مرزی و فشار بر مردم را دارد.

بنابر خبر رسیده به وب‌سایت کوردستان میدیا، سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی رژیم ایران در نوار مرزی سلیمان و ترکیه ده‌ها پایگاه نظامی ایجاد کرده‌اند.

به گفته یکی از اهالی روستای "کوزهرش" در منطقه سلیمان، "این طرح پس از دیدار فرمانده سپاه پاسداران و فرماندار سلیمان وارد مرحله عملیاتی شد."

این شاهد عینی تأکید می‌کند، "قصد رژیم از این اقدام سرکوب و اعمال فشار بر شهروندان کرد است."

ایجاد این پایگاه‌ها در حالی صورت می‌گیرد که مردم این مناطق با بهانه‌های واهی توسط نظامیان رژیم مورد حمله قرار می‌گیرند و تاکنون ده‌ها نفر نیز بر اثر این اقدامات زخمی و کشته شده‌اند.

به گفته فرمانده مرزبانی نظارت بر مرزها شدیدتر می‌شود

فرمانده مرزبانی رژیم از اختصاص ۲ هزار میلیارد اعتبار برای انسداد مرزها خبر داد و اعلام کرد در سال‌جاری محدودیت و نظارت‌ها در مرزها تشدید می‌شود و امکانات کنترل و تجهیزات ارتقا می‌یابد.

به گفته حسین ذوالفقاری، فرمانده مرزبانی رژیم، در سال‌جاری یک هزار میلیارد ریال برای کنترل مرزها در قالب احداث جاده، کانال، واحدهای مرزبانی و همچنین برای کشیدن سیم خاردار و نصب امکانات الکترونیکی و اپتیکی هزینه می‌شود.

رژیم ایران طی سالیان اخیر با اتخاذ راهکارهای گوناگون نظارت بر مرزهای غربی را افزایش داده و جهت انسداد کامل آنها از هیچ اقدامی سرباز نزده است.

نیروهای نظامی رژیم در این چارچوب راه‌های امرار معیشت مرزنشینان فاقد شغل را مسدود کرده و بارها آنها را مورد شلیک قرار داده‌اند.

فقر شدید اقتصادی و نبود فرصت‌های شغلی و بی‌توجهی رژیم برای سرمایه‌گذاری در کردستان ایران موجب شده است تا شماری از اهالی کردستان از مرزهای غربی فرار کرده و به کشورهای همسایه پناهنده شده‌اند.

فرمانده مرزبانی با اعلام اختصاص ۲ هزار میلیارد ریال اعتبار برای انسداد مرزها، می‌گوید: "با شناسایی مناطق آلوده و همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی اسامی نیز با هرگونه قاچاق کالا و تردد غیر مجاز در مرزهای کشورمان برخورد جدی می‌شود."

این مسئول رژیم می‌افزاید "استفاده از ابزار و امکانات الکترونیکی برای کنترل مرزها از اولویت‌های مرزبانی کشور بوده که در این راستا در صدد بهبود شرایط و ارتقا تجهیزات در مرزها هستیم."

زخمی شدن یک شهروند کرد بر اثر شلیک نیروهای نظامی رژیم

نیروهای وابسته به رژیم، کاسبکاران را مورد شلیک مستقیم قرار دادند و یکی از آنها را به نام "زانیار شهزوری" مجروح نمودند.

از وضعیت جسمانی این کاسبکار مجروح اطلاعات دقیقی در دست نیست.

رابط شهری است در بخش مرکزی شهرستان سردشت که بالغ بر ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد.

نیروهای نظامی رژیم در شهر مرزی "رط" تعدادی از کولبران را مورد هدف قرار دادند و یکی از آنها را مجروح کردند.

بنابر اطلاعات رسیده به وب‌سایت کوردستان میدیا، روز ۲۸ اردیبهشت ماه سال‌جاری،

نیروهای رژیم در نزدیکی شهر رط در استان آذربایجان غربی با حمله به تعدادی کاسبکار و کولبر مرزی، اجناس آنها را توقیف کردند.

مصطفی هجری در گفتگو با

مجله "که‌وانه":

ما باید بدانیم که برای جنگ نمی‌جنگیم، بلکه برای دستاورد است که می‌جنگیم

گویا قرار بر این است که جمعی از احزاب سیاسی کرد از تمام بخش‌های کردستان در آن شرکت نمایند تا بتوانند موضعی مشترک در برابر کشورهای خارجی، حکومت‌های حاکم بر کردستان و در برابر ملت خود داشته باشند. ما نیز منتظریم که ببینیم این کنگره برگزار می‌شود یا خیر.

که‌وانه: به نظر می‌رسد هم‌اکنون احزاب کرد به این سطح از درک سیاسی رسیده‌اند که با هم به دیالوگ و گفتگو بپردازند و جبهه‌های فکری یا جبهه‌های سیاسی را تشکیل دهند، آیا شما به این مهم اندیشیده‌اید، یا در این راستا گامی برداشته‌اید که جبهه‌های متحد برای کردستان ایران تشکیل دهید؟

مصطفی هجری: متأسفانه انشعابات به وجود آمده در احزاب کردستانی، تأثیرات منفی در این زمینه بر جای گذاشته‌اند، ولی با این حال ما در تلاشیم که بتوانیم راه‌حلی برای این مسئله پیدا کنیم و بتوانیم همگرایی را به وجود آوریم و با موضعی مشترک با مجامع و محافل اپوزیسیون ایرانی خارج از کشور مذاکره و گفتگو کنیم و امیدواریم که به این مهم دست یابیم.

که‌وانه: اکثریت مردم کردستان دارای دینی خاص هستند، اسرائیل نیز مذهب خاص خود را دارد، به نظر شما رابطه مردم کردستان ایران یا به طور کلی، ملت کرد با اسرائیل چگونه است؟

مصطفی هجری: ما به عنوان احزاب کردستانی، همچنین به عنوان ملت کرد هیچ مشکلی برای برقراری رابطه با اسرائیل یا با هر کشور دیگری نمی‌بینیم، ما به عنوان کلیت ملت کرد و نه فقط کردهای ایرانی، هیچ مسئله و مشکلی با اسرائیل نداریم، در طول تاریخ نیز مسئله‌ای با اسرائیل نداشته‌ایم، به نظر من مردم ایران نیز کلاً مسئله و مشکلی با مردم اسرائیل ندارند، آنکه علیه اسرائیل تبلیغات می‌کند، جمهوری اسلامی است که می‌خواهد نشان دهد که از حقوق مسلمانان و به ویژه، حقوق فلسطینی‌ها دفاع می‌کند، بطلان تبلیغات جمهوری اسلامی برای همه و حتی فلسطینی‌ها نیز آشکار شده است، ولی برقراری روابط بستگی به طرف مقابل نیز دارد، به همین خاطر درباره‌ی خود برقراری رابطه، من هیچ مشکلی سر راه نمی‌بینم، ولی بستگی به این دارد که آیا طرف مقابل حاضر است که این کار را انجام دهد یا خیر، مسئله به نظر من اینست.

که‌وانه: کشورهای هم‌پیمان بر سرنگونی رژیم سوریه اصرار دارند، آیا بعد از سقوط رژیم سوریه، در ایران خیزش و انقلاب آغاز می‌شود، در این زمینه آینده حکومت ایران را چگونه می‌بینید؟

مصطفی هجری: قرار نیست که بعد از سرنگونی رژیم سوریه در ایران انقلاب آغاز شود، ولی چنانچه اشاره نمودم، سقوط هر از کدام دیکتاتورها در منطقه بر دیگری تأثیرگذار است، به‌ویژه در رابطه با جمهوری اسلامی ایران و سوریه مسئله کمی متفاوت است، در این زمینه سوریه در واقع پلی است میان جمهوری اسلامی و فلسطین و حزب‌الله که هم‌پیمانان جمهوری اسلامی را تشکیل می‌دهند. با سقوط رژیم اسد این پل از بین می‌رود یا به نوعی تضعیف می‌شود. جمهوری اسلامی دیگر اینگونه آزادانه نمی‌تواند در امورات داخلی کشورهای

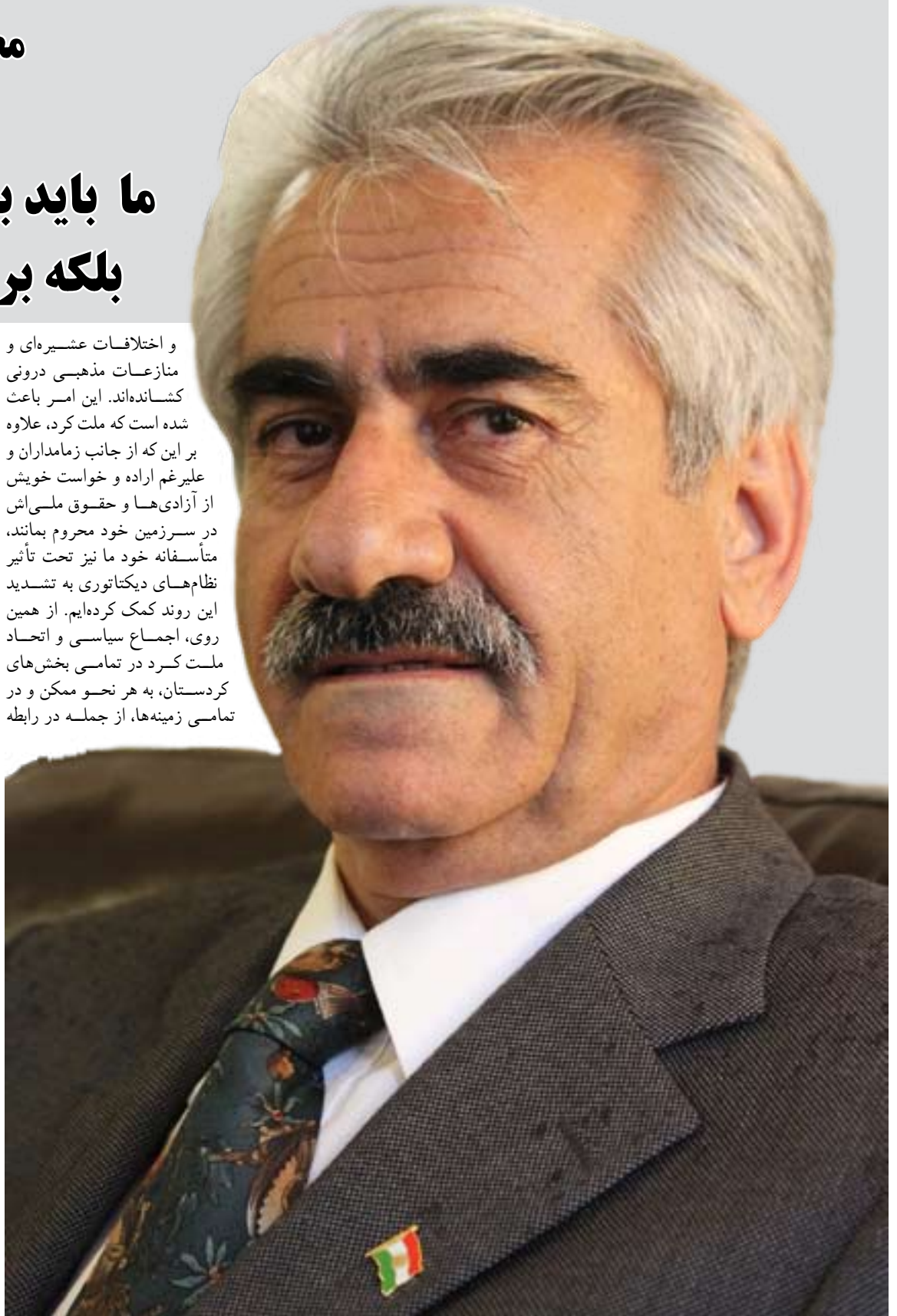
سیستمی است که در آن همه چیز، اعم از فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مختل شده‌اند. همین جمهوری اسلامی را اگر در نظر بیاورید، در این نظام همه چیز به هم ریخته است. تنها گروه قلیلی که شیعیان معتقد به ولایت فقیه را در بر می‌گیرد، پیرامون ولی فقیه را گرفته‌اند و بقیه‌ی مردم از نگاه حاکمان، غیرخودی تلقی می‌شوند. به یاد داریم که احمدی‌نژاد پس از انتخابات ریاست‌جمهوری، مردم ناراضی را خس و خاشاک و گوساله نامید. در چنین نظام و فرهنگی که متأسفانه سالیان طولانی بر ایران حاکم بوده است، نه مرد دارای حقوقی است، نه زن، نه جوان، نه پیر و نه کودک. حقوق انسانی هیچ‌کس محترم شمرده نمی‌شود، مخصوصاً زنان که فرهنگ عمومی در کل خاورمیانه علیه آنان است و از دیدگاه مذهب و خانواده نیز مورد استثمار و بهره‌کشی قرار می‌گیرند، نتوانسته‌اند به دلایلی که ذکر آن رفت، به اندازه‌ی کافی در فعالیت سیاسی و اجتماعی مشارکت نمایند، منظور این نیست که مطلقاً مشارکتی ندارند، بلکه آن‌گونه که باید و شاید، نتوانسته‌اند مشارکت داشته باشند و گرنه در میان زنان نیز افراد مبارز، کوشا و فعالی در صفوف احزاب سیاسی کردستان ایران و در زمره‌ی هنرمندان قرار دارند. در حزب دمکرات کردستان ایران نیز زنان در سطوح رهبری و تصمیم‌گیری سهیم می‌باشند، اما این کافی نیست. همگام با پیشبرد فرایند دمکراتیزاسیون در خاورمیانه، بدون تردید، نقش و تأثیر زنان نیز آشکارتر خواهد شد و بیش از پیش خواهند توانست در فرایند تصمیم‌سازی و مراکز تصمیم‌گیری و مدیریت امور کشور مشارکت نمایند. اما تمامی این‌ها وابسته به پیشبرد روند دمکراتیزاسیون است، یعنی امکان ندارد که زنان بتوانند به حقوق خود نائل شوند، بدون آن که نظام‌های موجود را تغییر داده و حکومت‌هایی دمکراتیک بر سر کار بیاورند.

منظورم این نیست که زن هیچ‌گونه تحرک و فعالیتی برای دستیابی به حقوق نداشته باشد، تا زمانی که حکومتی دمکراتیک بنیان نهاده شود، بلکه منظور اینست که اکنون زنان از دو جهت رسالتی بر عهده‌ی آنهاست که برایش مبارزه کنند، نخست دوشادوش مردان و تمام آزادخواهان ایران و کردها برای تغییر حکومت و استقرار حکومتی دمکراتیک و از دیگر سو برای آن حقوقی که به دلایل فراوان به عنوان زن نقض شده است. ولی در این مورد که باید روزی در جامعه‌ی کردستان بیش از آنچه تاکنون وجود دارد زنان در تصمیم‌گیری سیاسی و امور مملکت همچون مردان سهیم و فعال باشند، جای هیچ شک و تردیدی نیست.

که‌وانه: قرار بود چند سال قبل کنگره‌ای ملی برگزار شود، ولی تعدادی از احزاب به علت اختلاف‌نظر و دیدگاه‌های متفاوت از آن کنگره استقبالی نمودند و این کنگره برگزار نشد، عدم مشارکت آنها از نظر شما صحیح بود یا خیر؟

مصطفی هجری: آنچه که هم‌اکنون مورد بحث می‌باشد، این است که از سوی رئیس اقلیم کردستان قرار است کنگره‌ای ملی برگزار شود، ولی تاکنون این امر تحقق نیافته است، طبق آنچه که تاکنون گفته شده، قرار بر این است که در آینده برگزار شود.

و اختلافات عشیره‌ای و منازعات مذهبی درونی کشانده‌اند. این امر باعث شده است که ملت کرد، علاوه بر این که از جانب زمامداران و علیرغم اراده و خواست خویش از آزادی‌ها و حقوق ملی‌اش در سرزمین خود محروم بمانند، متأسفانه خود ما نیز تحت تأثیر نظام‌های دیکتاتوری به تشدید این روند کمک کرده‌ایم. از همین روی، اجماع سیاسی و اتحاد ملت کرد در تمامی بخش‌های کردستان، به هر نحو ممکن و در تمامی زمینه‌ها، از جمله در رابطه



با جوانان، زنان یا احزاب کرد مخالف رژیم‌های حاکم در سایر بخش‌ها، مخالف این سیاست‌های اشغالگرانه و در جهت زدودن آثار آنهاست، در این راستاست که ما کردها باید یک بار دیگر به این آگاهی برسیم و ثابت کنیم که همگی از یک ملت هستیم، می‌توانیم متحد و یکصدا باشیم، می‌توانیم تمامی توان و نیروی خود را یکجا گردهم آوریم و از این طریق، پیام و صدای خود را به طرزی یکپارچه و هماهنگ به ملت کرد و ملل همسایه‌ی آن برساییم، که عبارت خواهد بود از پیام آشتی، همزیستی، اتحاد و همبستگی ملت کرد به جای تفرقه و پراکندگی و خوددرگیری. به همین دلیل، من نتایج این گردهمایی سازمان‌های جوانان از بخش‌های چهارگانه‌ی کردستان را گامی مثبت و ارزنده، تلقی می‌کنم و امیدوارم در سایر بخش‌های کردستان نیز به زودی شاهد شرایط و اوضاعی باشیم که در آن کنفرانس‌های دیگری از سوی جوانان کرد برگزار شود و این اتحاد و همبستگی روز به روز روند پیشرفت را طی کند.

که‌وانه: آیا در رابطه با مشارکت سیاسی زنان در کردستان ایران تدبیری اندیشیده‌اید؟

مصطفی هجری: زمانی که از یک سیستم دیکتاتوری سخن می‌گوییم، منظورمان

کردها می‌توانند در تهران نیز سهمی از قدرت را به خود اختصاص دهند. هم در پارلمان، براساس یک قانون دمکراتیک می‌توانند نمایندگان خود را به پارلمان فرستاده و در تصمیم‌گیری‌ها و قانونگذاری مشارکت نمایند و هم برای اداره‌ی امور کشور می‌توانند در مدیریت حکومت ایفای نقش نمایند، در غیر این صورت اساساً نمی‌توان از به وجود نظامی دمکراتیک سخنی به میان آورد.

که‌وانه: دویمین کنگره‌ی ملی جوانان (کرد) برگزار شد، فکر می‌کنم شما نیز در این کنگره شرکت داشتید، آینده‌ی چنین کنگره‌هایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

مصطفی هجری: در تاریخ ملت کرد و سایر ملیت‌های تحت ستم در منطقه‌ی ما، حکومت‌ها همواره کوشیده‌اند که در میان ما تفرقه و دشمنی ایجاد کنند. اگر نگاهی به گذشته‌ی خودمان بیفکنیم، متوجه می‌شویم که خسارات، زیان‌ها و سیه‌روزی‌هایی که ما کردها در برخی مقاطع تاریخی بر خود روا داشته‌ایم، کمتر از مصائب و مشقت‌هایی نیست که رژیم‌های دیکتاتوری بر سر ما آورده‌اند.

بارها پیش آمده است که ما را در مقابل یکدیگر قرار داده‌اند، ما را به جنگ، دشمنی

■ تنظیم: علی‌اکبر مجیدی

بخش دوم

که‌وانه: هویت ملت کرد در حال حاضر مورد حمایت جهانی قرار دارد. آیا همان‌گونه که اکنون ملت کرد در حکومت مرکزی عراق سهیم است، می‌توان در آینده شاهد چنین وضعیتی در تهران بود؟

مصطفی هجری: من با این نظر که حقی به کردها داده می‌شود، موافق نیستم، ملت کرد دارای حقوقی است که از آن غصب شده، سرزمینش اشغال شده و در رابطه با مبارزات و مقاومت‌هایش، با در پیش گرفتن سیاستی اصولی و خوانشی راهبردی و دقیق از تحولات منطقه قادر به استیفای حقوق خود از دست غاصبین و ناقضان حقوق خود خواهد بود. نظام فدرال دمکراتیکی که مورد نظر ماست، مردم ایران را در اداره‌ی امور کشور سهیم خواهد نمود. یعنی تبعیض میان مردم کرد، فارس، عرب یا بلوچ از میان خواهد رفت و براساس یک قانون اساسی دمکراتیک، همگان در اداره‌ی کشور و قانونگذاری سهیم خواهند بود. به همین دلیل می‌توان گفت که همانند وضعیتی که کردها در عراق از آن برخوردارند، در هر نظام دمکراتیکی چنین امری امکانپذیر است.

روزنامه

اعتقاد هسته‌ای ایران، بمبها و حقیقت

رضا فتح‌الله نژاد

سایت اکونومیست روز ۱۹ می، مقاله‌ای را تحت عنوان "تولوژی(اعتقاد مذهبی) هسته‌ای ایران، بمبها و حقیقت" به قلم نویسندگان بخش بین‌الملل خود منتشر کرده است که به سخنان خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی درباره‌ی مسئله‌ی هسته‌ای می‌پردازد. نگارندگان با مطرح کردن این پرسش که "آیا اعتقاد مذهبی مسلمانان در رابطه با سلاح هسته‌ای حقیقت دارد یا خیالپردازانه است؟" مقاله را آغاز نموده‌اند. در ابتدا آمده است که خامنه‌ای نه یک بار، بلکه بارها، از جمله در یک فتوا گفته است که به دنبال بمب اتم نیستند. او در جمع دانشمندان هسته‌ای گفت: "سلاح اتمی به طور کلی به سود ما نیست. از نظر ایدئولوژیک و حقوقی، ما توسعه‌ی سلاح هسته‌ای را مشروع نمی‌دانیم. ما استفاده از این گونه سلاح‌ها را گناه کبیره می‌دانیم. همچنین معتقدیم که نگهداری چنین اسلحه‌هایی بیهوده و خطرناک است و ما هیچ وقت به دنبال آن نبوده‌ایم."

در ادامه مقاله آمده است که: "بارک اوباما، تنها چند هفته قبل از ایران خواسته بود که به وضوح اعلام کند که هدفشان دستیابی به نیروی هسته‌ای صلح‌آمیز بوده یا سلاح هسته‌ای؟ خوش‌بین‌ها سخنان آقای خامنه‌ای را به عنوان پاسخی مثبت ارزیابی می‌کنند و تشویق به از سر گرفتن مذاکرات هسته‌ای را به عنوان پیامد عملی احساس تازه‌ی مصالح مشترک می‌نگرند."

"اما بسیاری از مردم نه از آقای خامنه‌ای خوششان می‌آید و نه به او اعتماد می‌کنند. در جریان عدم اعلام سلاح هسته‌ای، مطمئناً رهبر ایران عملاً از تقیه‌ی شیعه پیروی می‌کند. تقیه نوعی تظاهر مجاز یا دروغ‌گویی - به منظور حفظ ایمان است. برخی بر این باورند که نباید فتوا را زیاد جدی گرفت زیرا به طور طبیعی انعطاف‌پذیر است. آنها می‌توانند از سوی مقامات مذهبی رقیب مورد مناقشه قرار گیرند و یا حتی توسط مقام صادرکننده، دگرگون شوند. فتوا بیشتر به عنوان پیشنهادی موقتی جهت رفتار درست به کار گرفته می‌شود تا قانونی همیشگی و لایتنر."

در پایان مقاله، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که عملکردها می‌توانند بر حرف‌ها روشنائی بیفکنند. در دوران جنگ ایران - عراق در دهه‌ی ۱۹۸۰، نیروی نظامی صدام حسین که به غرب متکی بود، سلاح شیمیایی به کار برد و هزاران ایرانی را کشت. رهبر قبلی، آیت‌الله خمینی به طور آشکار، دستور ممنوعیت مذهبی پیشین خود درباره‌ی سلاح کشتار گروهی را کاملاً تغییر داد و دستور راه انداختن تحقیقات در مورد گسترش آنها، از جمله بمب هسته‌ای را صادر کرد و سپس به گردن نهادن خمینی به سرکشیدن جام زهر اشاره می‌کند و می‌نویسد: "با این اوصاف، او آتش‌بس و پایان دادن به جنگ را بر به کار گرفتن سلاح‌های غیرمتعارف ترجیح داد."



آزادخواهان کمترین گمان را به دل راه نمی‌دهد و نه تنها نسبت به ما که از ابتدا مخالف این حکومت و خواهان براندازی آن بوده‌ایم، بلکه نسبت به کسانی که زمانی در صفوف خودشان بوده‌اند نیز چنین رویه‌ای در پیش گرفته و هیچ شفقتی در مورد آنان نشان نمی‌دهند و کمترین مخالفت و یا اختلاف‌نظر را از آنانی که دوشادوش خودشان جمهوری اسلامی را تأسیس کرده‌اند، بر نمی‌تابند و قبول نمی‌کنند. این حد از سرکوب تأثیر بسیار زیادی بر مردم ایران گذاشته است.

که‌وانه: مردم کردستان ایران خواهان چه چیزی هستند؟ آیا مایل به وجود نیروی مسلح هستند در حالیکه وجود نیروی مسلح باعث اعمال فشار بیشتر بر کردستان می‌شود؟ آیا وجود نیروی همچون پژاک که فعالیت مسلحانه دارد، به سود کردستان ایران است؟ نظر شما در این باره چیست؟

مصطفی هجری: ما به عنوان حزب دمکرات و همچنین بخش دیگری از احزاب کردی به عنوان اپوزیسیون کرد ایران، تجربه‌ی مبارزه‌ی مسلحانه داریم، سالها به مبارزه‌ی مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ادامه دادیم، اما امروز بر این باوریم که مبارزه‌ی مسلحانه نمی‌تواند مصالح و منافع مردم کرد در کردستان ایران را تأمین کند، آن فعالیت مسلحانه که گاه گاه شاهدش هستیم بیش از هر چیز بهانه‌ای است برای جمهوری اسلامی که بتواند کردستان را هر چه بیشتر میلیتاریزه کند. فشار بیشتری بر مردم کردستان وارد کرده و مجازات‌های سنگین‌تری برایشان در نظر بگیرد. به جز این تاکنون دستاوردی نداشته است.

ما بر آنیم که مردم در کردستان ایران فعال هستند، مبارزه می‌کنند و احزابشان هم فعالند اما هر یک در چارچوب امکانات و تواناییهای خود فعالیت می‌کنند، اما به طور کلی، نظر شخصی من این است که قیام مردم کرد در ایران به تنهایی به صلاح آنان نیست، چرا که مردم کرد در ایران هر چند هم قوی و قدرتمند باشند، نمی‌توانند به تنهایی جمهوری اسلامی را ساقط کنند و به اهداف خود برسند.

ما باید بدانیم که برای جنگ نمی‌جنگیم، بلکه برای دستاورد است که می‌جنگیم، بنابراین معتقدم که مردم کرد در کردستان ایران بیش از دیگر نقاط ایران آمادگی مبارزه و قیام را دارند، اما باید شرایطی به وجود بیاید که در تمام ایران شرایط قیام باشد و همه با هم قیام کنند و گرنه قیام ملت کرد به تنهایی از نظر من کار سیاسی درستی نیست.

برای همه‌ی آنها عامل سقوط است و همین نقطه‌ی مشترک باعث دوستی و همکاری آنها می‌شود و این امری طبیعی است. ممکن است در آینده هم سیستمهای دیکتاتوری همچنان به همین شیوه عمل کنند.

که‌وانه: گفته می‌شود مردم کشورهای عربی شجاع بوده و در برابر دیکتاتورها می‌ایستند، اما چرا مردم ایران با وجود آن همه فشار سیاسی و اقتصادی و نبود آزادی و وفور اعدام، قیام نمی‌کنند؟ به عبارت دیگر، چه نیرو و انگیزه‌ای برای انقلاب در ایران نیاز است؟

مصطفی هجری: دلایل زیادی وجود دارد. به عنوان مثال، در ایران متأسفانه هنوز نیروی اپوزیسیون سراسری که بتواند الهام‌بخش مبارزه در داخل کشور باشد به وجود نیامده است، ایران کشوری پرجمعیت با تنوع بالای دینی و ملی است که اتحاد و هماهنگی آنها به‌ویژه در شرایطی که جمهوری اسلامی بر آنها حکومت می‌کند، امر مشکلی است. مسائل دیگری هم وجود دارد که مانع قیام مردم ایران تا امروز شده، اینها همگی تأثیرگذار هستند. اما نبود قیام فراگیر تا به امروز به این معنا نیست که مردم ایران از جمهوری اسلامی بیزار نیستند و یا آزادی نمی‌خواهند، آنها هم به دنبال فرصتی می‌گردند که من فکر می‌کنم در آینده فرصت پیش خواهد آمد، تشکیل اپوزیسیون سراسری که بتواند به مردم امید بدهد همان فرصتی است که باید پیش بیاید و به مردم انگیزه بدهد، مردم اگر بدانند که اپوزیسیون قوی از آنها پشتیبانی می‌کند، حتماً حضور جدی در میدان مبارزه خواهند داشت.

به عنوان مثال، مردم کردستان در حال حاضر احزاب خود را دارند، این احزاب به ناگزیر همگی مقرهایشان در کردستان عراق است، مبارزان کرد و آزادخواهان کرد که در داخل ایران درحال مبارزه هستند هر یک از سیاستها و خط مشی حزب خود پیروی می‌کنند اگر مشکلی هم برایشان پیش بیاید می‌توانند به گونه‌ای خود را از آنجا نجات داده و در درون احزاب خود به مبارزه ادامه دهند. همین امر باعث شده تا در کردستان مبارزه و مقاومت قویتر و منسجم‌تر بوده و نتایج بهتری داشته باشد، اما در ایران چنین نیرویی وجود ندارد، ما درحال گفتگو و و مذاکره با اپوزیسیون ایرانی و شخصیت‌های ایرانی هستیم تا تشکیل اپوزیسیون برای ایرانیان ممکن شده و بتواند همچون پشتیبانی برای مردم ایران عمل کند، در چنان شرایطی است که اکثریت مردم کشور می‌توانند به میدان مبارزه بیایند. البته فراموش نکنیم که جمهوری اسلامی ایران در سرکوب شدید

کمونست تشکیل می‌دهند، چه چیز باعث این هم‌پیمانی است؟ این پیوندها چه منافع برای جمهوری اسلامی به همراه دارد؟

مصطفی هجری: درواقع دیکتاتورها همگی در سیاست عمومی و کلان مانند یکدیگر هستند. به عنوان مثال حکومت‌های کمونیستی مانند کره شمالی به لحاظ مذهبی و دینی نه تنها در قطب مقابل جمهوری اسلامی بلکه در دشمنی و تضاد با آن قرار دارند اما این دو کشور به لحاظ رفتاری و عملی به یکدیگر نزدیک می‌شوند. برای نمونه در مورد سرکوب آزادخواهان. مبارزه‌ی آزادخواهان هم در کره شمالی هست و هم در ایران. این دو کشور در مورد سرکوب آزادخواهان متفق هستند، حکومت بشمار اسد نیز که حکومت بعثی است، در بنیان خود ضد دین است اما با ایران هم‌پیمان است و نقطه مشترک آنها ضدیت و مقابله با آزادی است. به همین دلیل آزادخواهان را سرکوب کرده و به یکدیگر در این امر یاری می‌رسانند، روابط و منافع اقتصادی یکدیگر را تقویت می‌کنند تا بتوانند در چارچوب همان هدف از آن استفاده کنند. آنچه این کشورها را به یکدیگر نزدیک می‌کند، آزادی‌ستیزی و دمکراسی‌ستیزی است. چرا که دمکراسی برای همه‌ی آنها به یک اندازه مضر و خطرناک است، دمکراسی

منطقه همچون لبنان و فلسطین دخالت کند و به صورت مستقیم اسرائیل را تهدید کند، تنها کشور عربی که با جمهوری اسلامی هم‌پیمان است، سوریه می‌باشد و با سقوط رژیم سوریه جمهوری اسلامی تنها دوست خود را از دست می‌دهد و بیش از گذشته در میان کشورهای منطقه به‌ویژه خاورمیانه منزوی می‌شود. بدون شک مردم ایران با سقوط رژیم بشار اسد که تحت حمایت جمهوری اسلامی ایران است، خرسند شده و انگیزه‌ای بیشتر پیدا می‌کنند برای تداوم مبارزه‌شان تا آنها نیز همچون مردم سوریه بتوانند دیکتاتور حاکم بر کشورشان را سرنگون کنند. تأثیرات، غیرمستقیم می‌باشند و از چندین جهت این مسئله بر روی حکومت ایران تأثیر منفی و بر سر روی مردم تأثیرات مثبت برجای می‌گذارد.

که‌وانه: پیشتر جهان به دو بلوک شرق و غرب تقسیم شده بود، اکنون نیز روسیه و چین هر دو برآنند که ایسن وضعیت را در برابر غرب حفظ کنند، علت چیست که تاکنون روسیه و چین درباره سقوط سوریه راضی نشده‌اند؟ چه چیزی از غرب می‌خواهند؟

مصطفی هجری: درواقع آنچه که روسیه و چین انجام می‌دهند، به خاطر آن نیست که به چنین حکومت‌هایی باور دارند، بلکه برای حفظ منافع کلان سیاسی و اقتصادی است که با وجود حکومت‌های بشمار اسد و جمهوری اسلامی قادرند آنها را حفظ کنند. با سرنگونی بشار اسد یا جمهوری اسلامی آن منافع بدان گونه باقی نخواهد ماند، علاوه بر این از لحاظ سیاسی نیز با سرنگونی این دو دولت، منطقه بیشتری تحت پوشش منافع غرب قرار می‌گیرد که چین و روسیه خواهان چنین چیزی نیستند. به همین خاطر تا آخرین لحظه آنها از این دو پایگاه خود دفاع می‌کنند، ولی زمانی که احساس کنند که آن حکومتها در حال سقوط هستند و از بین می‌روند، آنها نیز دست از حمایت خود می‌دارند، زیرا آنها به دنبال حفظ حکومت جمهوری اسلامی یا بعث سوریه نیستند، به این دلیل که به آن باور داشته باشند، بلکه به این خاطر است که منافع آنها را حفظ می‌کنند، زمانی که ببینند آن حکومتها در حال سقوط بوده و دیگر قادر به حفظ منافع آنها نیستند، آنها نیز پشت این حکومتها را خالی می‌کنند، این درواقع قانون تمام حکومت‌هایی است که اتحاد آنها بر مبنای منافع است.

که‌وانه: جمهوری اسلامی ایران حکومتی اثنی عشری یا مرکزگرای شیعی اسلامی است. اما بیشتر هم‌پیمانانش را کشورهای

تشکیل اپوزیسیون سراسری که بتواند به مردم امید بدهد همان فرصتی است که باید پیش بیاید و به مردم انگیزه بدهد، مردم اگر بدانند که اپوزیسیون قوی از آنها پشتیبانی می‌کند، حتماً حضور جدی در میدان مبارزه خواهند داشت

آیا ایجاد شکاف و دشمنی در میان مردم ایران به حفظ تمامیت ارضی ایران خواهد انجامید؟

گلاره کمانگر پور

چندی پیش آقای مصطفی هجری، دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران طی مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که در صورت تظاهرات و قیام مردم در شهرهای کردستان ایران، نه تنها باید اقدام مورد حمایت قرار گیرد، بلکه باید "منطقه‌ی پرواز ممنوع" در آسمان کردستان ایران جهت جلوگیری از هرگونه حمله تلافی‌جویانه از جانب حکومت مرکزی، برقرار شود، به این معنا که باید از تکرار فاجعه‌ای انسانی همچون بمباران شیمیایی سردشت جلوگیری به عمل آید و مردم بی سلاح و بی دفاع، هدف حملات هوایی ارتش و سپاه پاسداران رژیم قرار نگیرند.

اما این اظهارات دستمایه‌ی حملات مجدد دیگری ستیزان ایرانی و سازمانهای وابسته به این طرز فکر قرار گرفت. در همین رابطه، جبهه‌ی ملی ایران طی بیانیه‌ای اظهارات آقای هجری را به گفته‌ی خود "قویا طرد و محکوم" کرد و اعمال منطقه‌ی پرواز ممنوع را به منزله‌ی "ایستادن در برابر احاد ملت ایران" دانسته و به این ترتیب به پشتیبانی مستقیم از حمله‌ی هوایی احتمالی به کردستان پرداخت.

این بیانیه برای مردم کردستان تنها و تنها یادآور اعلام جهاد علیه کردستان در سالهای آغازین حکومت اسلامی است و تنها پیامی که برای مردم کردستان دارد این است که "احاد ملت ایران" نه تنها به پشتیبانی از آنها برنخواهند خاست بلکه دوشادوش هوایماهای جنگی، همانند سالهای ۵۹ و پس از آن به قصد کشتاری گسترده عازم کردستان خواهند شد!

آیا اپوزیسیون ایرانی نمی‌داند که با چنین ادبیاتی تنها شکاف میان کرد و فارس را عمیقتر می‌کند؟ آیا گمان می‌کنند با این روش می‌توان همگرایی در میان نیروهای اپوزیسیون ایجاد کرد؟ آیا از نتایج این رفتارها ناآگاهند یا آگاهانه چنین موضعی را در پیش می‌گیرند؟

نگارنده بر آن است که نویسندگان این بیانیه و همفکرانشان به خوبی می‌دانند که با چنین موضعگیریهایی نه تنها دیوار بی‌اعتمادی میان ملت کرد و اپوزیسیون تمرکزگرا را بالاتر می‌برند بلکه نیک آگاهند که چنین سخنانی به هرچه سست‌تر شدن پیوندهای میان کردستان و ایران خواهد انجامید و این برنامه‌ای است که به صورت هدفمند از سوی دو جریان دنبال می‌شود.

نخست، جریان‌ی که تمهه‌ی غائله‌ی اصلاح طلبی در ایران به شمار آمده و به نام اپوزیسیون به درون نیروهای خواهان براندازی خزیده و مهمترین هدفی که دنبال می‌کند، حفظ موجودیت نظام جمهوری اسلامی است و از هر راه ممکن این هدف را دنبال می‌کند و یکی از راهها جلوگیری از ایجاد همگرایی و نزدیک شدن نیروهای اپوزیسیون به یکدیگر است. ممکن است کسانی این تلقی را متکی بر تئوری توطئه دانسته و آن را مردود بنسازند، اما با نگاهی گذرا به سرنوشت کسانی چون سردار مدحی، به وضوح دامهایی را می‌بینیم که جمهوری اسلامی بر سر راه اپوزیسیون فارس قرار می‌دهد و کسانی هم به راحتی در این دامها گرفتار می‌شوند. این جریان در تئوری‌پردازیهای خود هر ابزار یا روشی را که به تضعیف و یا سقوط جمهوری اسلامی بیانجامد، مردود دانسته و با تمام توان در برابر آن می‌ایستد. جریان دوم جریانی است که تشکیل ایرانی فدرال را تهدیدی برای تمامیت ارضی ایران دانسته و به همین دلیل با تشدید تعارضات و تضادها در صدد تضعیف این فکر در میان ایرانیان (اعم از کرد و فارس) است.

در اینجا به بررسی اجمالی دیدگاههای هر دو جریان پرداخته و ضمن روشن ساختن پایه‌های مغالطه‌آمیز استدلالهای ایشان در صدد پاسخگویی به برخی شبهات بخواهم آمد.

ابتدا به استدلالهای گروه دوم، یعنی تمرکزگرایان که در این مقاله آنها را "دیگری‌ستیز" و یا "دیگری‌گریز" می‌نامم، خواهیم پرداخت.

ماجرا به سقوط صدام و تأسیس حکومت فدرال در عراق برمی‌گردد، تجربه‌ی موفق اقلیم کردستان به عنوان حکومتی منطقه‌ای در چارچوب کشوری فدرال که توانسته علیرغم مشکل آفرینی‌های همسایگان عراق به امتزین نقطه‌ی این کشور تبدیل شده و به حد قابل قبولی از دمکراسی و تأمین حقوق و آزادیهای فردی و گروهی دست یابد، از سویی به نقطه‌ی امید برای طرفداران فدرالیسم در ایران تبدیل شده و از سوی دیگر به کابوس بزرگ تمرکزگرایان و اپوزیسیون ناسیونالیست و به صورت کلی شوونیسم فارس انجامیده است.

وجود دولتی منطقه‌ای که کردهای دیگر

ایرانی و پارسی و تقدس‌بخشیدن به آنها، سعی در تبدیل کردن آنها به تابو در ذهن مردم ایران داشته و از این طریق آنها را به ستیزه جویی و پرخاشگری نسبت به هر غیرپارسی تحریک می‌کنند. از سوی دیگر، همین رفتار ناگزیر به بیزاری بیشتر دیگر ملیتهای ایران از قوم پارس و نمادپردازی و اسطوره‌سازیهای آن انجامیده و احساس فاصله و تمایز را تشدید می‌کند.

هر چه این تمایزها بیشتر احساس شود، امکان همزیستی و درک متقابل که لازمه‌ی استقرار و استمرار نظامی فدرال است، کمتر می‌شود. به عبارت دیگر، اپوزیسیون دیگری‌ستیز ایرانی راه جلوگیری از تشکیل حکومت فدرال (که به تصور آنها مقدمه‌ی تجزیه است) را تشدید اختلافات و تمایزها می‌داند و بر استمرار رویه‌ی سرکوب و نفی

دیگر با استفاده از چند مثال سردستی و احساسی دخالت بشردوستانه را مترادف تهاجم نظامی قلمداد کرده و مابقی بحث را به محکوم کردن و طرد هرگونه دخالت بشردوستانه اختصاص می‌دهد.

در جای دیگر در تعریف اپوزیسیون می‌گوید: "گروهی است که می‌خواهد جانشین زمامداران حاکم شود" او بدون آنکه نامی از ارائه کنندگان چنین تعریفی ببرد، تعریف بر ساخته و بی‌پایه‌ی خود را به خواننده تحمیل کرده و او را وادار به پذیرش آن می‌کند. غافل از اینکه این تعریف تنها شامل اپوزیسیون درون‌سیستمی می‌شود. خود ایشان و جناحی که به آن وابسته هستند، در ایران چنین هدفی را دنبال می‌کردند یعنی جانشینی زمامداران حاکم، در این تعریف "جا" که ظرف حاکمیت است،



احمدی‌نژاد در حال انداختن چفیه‌ی بسیجی بر کردن کوروش هخامنشی نمادین

پذیرفته شده و مشکل تنها کسی است که بر آن "جا" می‌نشینند. در حالی که اپوزیسیون خواهان براندازی سیستم (یا همان ظرف حاکمیت) نمی‌تواند "جانشین" زمامداران حاکم باشد، چرا که در پی ایجاد تحولی بنیادین است و حل مشکل را در جایجایی نمی‌داند.

گنجی با چنین تعریفی اتری از اپوزیسیون که بر آراء هیچ تئوریسین سیاسی‌ای استوار نیست، ضمن مخدوش جلوه دادن چهره‌ی اپوزیسیون آنها را متهم به اقسام خیانت و جنایت می‌کند.

در این میان اپوزیسیون سازمان یافته و دارای سابقه و متعهد بیش از دیگر شکلهای اپوزیسیون مورد حمله‌ی ایشان قرار می‌گیرند.

گنجی با طرح اصطلاح مجعول "لیبیائیزه کردن ایران"، اپوزیسیون را مسئول وقوع هرگونه جنگی علیه ایران معرفی کرده و تصریح می‌کند که منظور او گروههایی است که:

- ۱- دارای نیروی متشکل باشند
 - ۲- مسلح باشند و یا حاضر به شرکت در عملیات جنگی باشند
 - ۳- حاضر به پرداخت هزینه باشند
- به عبارت دیگر، او هرگونه فعالیت سازمان‌یافته در جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی را در راستای به قول خود، لیبیائیزه کردن ایران دانسته و در نتیجه محکوم می‌داند و برای خواننده روشن نمی‌کند که اپوزیسیونی که دارای نیروی

اصرار می‌ورزد. این رویه از سوی گروه اول (یعنی سپاهیان پربروز و اصلاح طلبان دیروز و اپوزیسیون برانداز امروز!) به لحاظ تئوریک تغذیه شده و اگرچه اهداف غایبشان متفاوت است، اما در موضوع لزوم انکار و نفی و سرکوب دیگر ملیتهای ایران متفق‌القول هستند.

نماینده‌ی برجسته‌ی جریان اول، اکبر گنجی است که با مقالات مکرر در کار القای این باور است که فعالیتهای سیاسی اپوزیسیون غیر فارس در راستای تجزیه‌ی ایران و با این هدف به پیش می‌رود. وی اگرچه مقالاتش را دارای ساختاری منطقی نشان می‌دهد، اما با گریز از تبیین بسیاری از موضوعاتی که خود مطرح می‌کند و با استفاده از زبانی که میان استدلال و استهزاء در نوسان است، دست به دامان مغالطاتی آشکار می‌شود.

به عنوان مثال در مقاله "پیامدهای تجزیه طلبی در ایران" چند پرسش ابتدایی را طرح می‌کند از جمله اینکه:

آیا مرزهای دولت-ملتها دارای ارزش و موجه هستند یا این مرزها و هویتها تاریخی برساخته (جعلی) و فاقد ارزش فی نفسه هستند؟

گنجی با طرح دو پرسش دیگر این پرسش را به دست فراموشی می‌سپارد چراکه نیک می‌داند پاسخ به این سؤال مستلزم تبیین تاریخچه مفهوم دولت-ملت بوده و در نهایت به کاذب بودن و جعلی بودن این مفهوم خواهد انجامید. در جای

متشکل نباشد و حاضر به پرداخت هزینه هم نباشد، آیا اصلا می‌تواند نام اپوزیسیون بر خود بگذارد؟!

گنجی در مقالات خود همواره مرزهای میان کشور و حکومت را در نوردیده و آنها را مترادف فرض می‌کند، برای نمونه در راستای خائن خواندن سازمان مجاهدین خلق می‌گوید، این سازمان با قرار دادن اطلاعات نظامی کشور (یعنی اطلاعات مربوط به فعالیتهای تسلیحاتی و هسته‌ای ایران) در اختیار مهاجمان، در کنار آنان با نظامیان ایران خواهد جنگید و از بیان این نکته طفره می‌رود که آنچه او نظامیان ایران می‌خواند، همان سپاه پاسداران است که او خود به خاطر منفور بودن این نیرو از ذکر نام آن خودداری کرده و با استفاده از ترکیب نظامیان ایران به آنان در برابر مجاهدین تقدس بخشیده و منزه نشان می‌دهد و فراموش می‌کند که اگر سپاه پاسداران مترادف نظامیان ایران است، نیروی انتظامی هم به همان سیاق، نیروی انتظامی ایران است و لابد در آزار و اذیت مردم ایران هم به همین دلیل محق است و نباید در برابرش ایستاد!

وی با مترادف خواندن دخالت بشردوستانه (نظیر آنچه آقای هجری مطرح کرده) با تهاجم نظامی، نتیجه می‌گیرد که این امر به تجزیه‌ی ایران خواهد انجامید و با خلق فضایی آخرازمایی به توصیف پیامدهای خونین هولناکی می‌پردازد که به زعم او در انتظار ایران است، در فضایی که ترسیم می‌کند، ایران پس از فروپاشی جمهوری اسلامی ویرانه‌ای است که تمام زیرساختهای اقتصادی ناپسود شده و میلیونها انسان کشته و میلیونها آواره و گرسنه و سرگردان در این ویرانه‌ها پرسه می‌زنند!

برای گنجی سقوط جمهوری اسلامی آخر دنیا و پایان کار ایران است. غافل از اینکه حافظه‌ی تمام دنیا و به ویژه مردم ایران پر از خاطره‌ی جنگ و خونریزی است و با این حال، زمین همچنان بر همان مدار می‌چرخد و مردم ایران هم به حیات خود -اگرچه نه مطلوب- ادامه می‌دهند.

قصد این نوشتار توجیه جنگ نیست اما تاریخ نشان می‌دهد که بشر نمی‌تواند از این پدیده کاملاً بری باشد و مردم ایران هم همین‌طور. عدم انعطاف، خشونت لجام گسیخته، تخریب بنیه اقتصادی و علمی و صنعتی، انحطاط اخلاقی و فساد و تباهی در سطوح بالای اداری کشور همه و همه فاکتورهایی هستند که به ناگزیر شرایط دشواری را بر فراز آسمان کشوری به پرواز درآورده و ناقوس مرگ حاکمانش را به صدا در می‌آوردند.

مسئولیت این شرایط بس دشوار و تمامی پیامدهای آن هرچه که باشد، نه بر عهده‌ی اپوزیسیون، بلکه کاملاً بر عهده‌ی جمهوری اسلامی است و ملیتهای ایران خود را ملزم به بقای از سرکوبگر خود ندانسته و در این باره منطقا و اخلاقا کاملاً محق هستند.

در میان نفرت‌پرانی و دشمنی‌فروشی دیگری ستیزان متحجر و اعوان و انصار آنها که تخم کینه در دلهای مردم ایران افکنده و آنها را دشمن یکدیگر دانسته و در مقابل یکدیگر قرار می‌دهند، آنچه اهمیت حیاتی دارد، آگاهی و هشیاری مردم ایران نسبت به معنای مفاهیمی چون دمکراسی و عدالت و به رسمیت شناختن حقوق یکدیگر است. آنچه که اهمیت دارد، استواری اراده‌ی خلل‌ناپذیر مردم ایران برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی ایران و استقرار نظامی دمکراتیک و فدرال است که در چارچوب آن دستیابی به مفاهیمی چون دمکراسی و عدالت اجتماعی ممکن شده و مردم ایران می‌توانند دنیای سنتی مبتنی بر تعصب و خودبزرگی بینی و ناسیونالیسم دیگری‌ستیز را پشت سر گذاشته و به سوی آینده‌ای مدرن و روشن گام بردارند.

از نشانه‌های بیداری یک ملت و مصونیت آن در برابر امواج سرکوب، خشونت، تحقیر و آسیمیلیسیون فرهنگی، درجه‌ی حساسیت آن نسبت به مسائل و رویدادهایی است که در ارتباط با یکایک افراد، سبیل‌ها، باورها و مشتقات سیاسی و اجتماعی آن روی می‌دهد. ملت‌هایی که علیرغم فشار سیستم‌های استبدادی برای محو هویت آنان، آگاهی گروهی و همبستگی سیاسی و معنوی خود را در مناسبت‌های مختلف به رخ کشیده و بارقه‌های امید و مقاومت را در دل افراد خود روشن نگه می‌دارند، واحدهای پویایی از اجتماعات بشری هستند که با درک میانی هویتی خود و مرزهای شفاف و بعضاً سایه‌روشن‌های میان خود و "آن دیگری" های هم عرض خود، واکنش‌ها و کنش‌های سیاسی مناسبی در زمان مقتضی از خود نشان داده و به سوی سرنوشتی درخشان و آینده‌ای بهتر گام برمی‌دارند.

احساس مسئولیت و تعهد اجتماعی، سیاسی و اخلاقی افراد یک ملت در قبال یکدیگر و در قبال مسائل و امور مرتبط با سرنوشت و حیثیت ملی‌شان از مؤلفه‌های رشد سیاسی و اجتماعی آنان است. ملتی که اکثریت یا جمع کثیری از احاد آن به این درجه از شعور و عقلانیت رسیده باشند، مراحل خطرناک و برهه‌های عبور از پرتگاه‌های مهلك تاریخی را پشت سر گذاشته و رهایی آن‌تها در گرو اتحاد و سازمان‌یابی منسجم تا تحقق سرنوشت محتوم تمامی دیکتاتورها، یعنی فروپاشی آنان است.

بدون تردید می‌توان گفت که ملت کرد در کردستان ایران، علیرغم تمرکز فشار مائشین سرکوب جمهوری اسلامی بر جامعه کردستان، نمونه‌ای درخشان و مثال‌زدنی از این ملت‌هاست که به درازای سالیان و دهه‌های اخیر یک تنه رویاروی درنده‌خوترین رژیم دیکتاتوری معاصر ایستاده و ناملایمات ناشی از فتور عقل مدرن و فقدان عقلانیت توسعه یافته در جوامع پیرامونی خود را نیز تحمل و به طرز شایسته‌ای از بازتولید خشونت ساری و جاری در رفتار، کردار و ذهنیت

چریکه کلهر

میراث فرهنگی اصطلاحی متداول است که به تمامی آثار باقیمانده از گذشته که دارای ارزش فرهنگی هستند اطلاق می‌شود. عموماً میراث فرهنگی را در دو بخش معنوی و مادی دسته‌بندی می‌کنند که دسته‌ی دوم خود به دو زیرگروه منقول (قابل حمل مانند آثار موزه‌ای) و غیرمنقول (غیرقابل حمل مانند محوطه‌های باستانی) تقسیم می‌شود. باید پذیرفت که مشکلات پیرامون میراث فرهنگی را می‌توان در خود همین اصطلاح جستجو نمود. کلمه‌ی میراث در لغت به معنی آن چیزی است که از گذشتگان به ارث رسیده و طبیعتاً وارثین آن را حق خود دانسته و در روزگاری که همه چیز با پول و ثروت سنجیده می‌شود، می‌توان تصور نمود که وارثین چه نوع استفاده‌ای (در واقع سواستفاده) را از این ارثیه مدنظر دارند. بخش دوم ترکیب فوق، کلمه‌ی فرهنگ است که نه فقط در زمینه‌ی میراث فرهنگی بلکه در تمامی مشکلات موجود در منطقه‌ی خاورمیانه این کلمه نقشی اساسی را ایفا می‌کند. آگاهی و دانایی دو مؤلفه‌ی اصلی در پیشبرد فرهنگ‌ها هستند که متأسفانه به دلایل مختلفی همواره مورد بی‌اعتنایی قرار گرفته‌اند.

در چنین پس زمینه‌ای (نگاه ارثیه مدار و سطح پایین فرهنگ) است که شناسایی، حفظ و احیای میراث فرهنگی مورد توجه واقع نمی‌شود. بدون آگاهی‌بخشی و بالا رفتن سطح فرهنگ نمی‌توان انتظار داشت که مردم میراث فرهنگی را نه ارثیه‌ی گذشتگان

۲۳ اردیبهشت، خیزش کردستان برای همبستگی



سیاست‌ورزان حاکم و اجتماعات بشری موجود در سایر مناطق ایران نیز خودداری نموده و قانون توحش و عرف بربریت صادر شده از این گونه اجتماعات و حکومت‌ها را با ترویج مدارا، همزیستی متمدانه و تساهل و تسامح پاسخ داده است.

در همین حال، هنر ارزنده‌ی ملت کرد در آن است که این تساهل و مدارای برخاسته از بسترهای اخلاقی جامعه‌ی کردستان را با روح مقاومت و حماسه در هم آمیخته و تلفیق شایسته‌ای از این دو فاکتور ظاهراً متفاوت و حتی متضاد به دست داده است. کردستان، این مهد آمیزش عقلانیت، مدارا و مقاومت در بیست و سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹، یکپارچه خروش و اعتراض علیه آخرین جنایت رژیم قرون وسطایی آخوندی در قبال فرزندان مبارز ملت کرد بود. چهار روز قبل از این حماسه‌ی باشکوه، جلادان شب‌پرست رژیم، تاریکی شب را غنیمت شمرده و در سپیده‌ای خونین، بیکر چهار سرو استوار کردستان، فرزند کمانگر، شیرین علم‌هولی، فرهاد و کیلی و علی حیدریان را به همراه مهدی اسلامیان، جوانی از خطه‌ی فارس به دار آویختند تا سندی دیگر باشد بر حقانیت تظلم‌خواهی مردم کردستان و سبوعیت زمامداران هراسیده از یگانگی آنان در راه پیروزی.

در روزهایی که انفعال و عدم‌واکنش سردمداران جریان پرمده‌ای موسوم به جنبش سبز، هرزگان رژیم را در بریدن گلوهای رادمردان و شیرزنان آزادیخواه ایران جری‌تر و گستاختر نموده و موج همه‌گیر اعدام‌ها سدی در برابر خود نمی‌شناخت، قطار اعدام و خشونت درندگان جمهوری اسلامی به ایستگاهی رسید که هرگز مأمین مناسبی برای جولان دادن خفاشان خون‌آشام سرخوش از خونابه‌ی چرکین ولایت فقیه نبود. آری، اینک کردستان، زادگاه حماسه‌های بی‌پایان و سنگر آزادیخواهان ایران میزبان قافله‌ی مرگ بود و رسالت

۲۲ تیرماه را همواره سرمشق زندگی سیاسی خود قرار داده و در هر مناسبتی با الهام از این تجربه‌ی موفق مبارزاتی، تدابیر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری دشمنان مجهز به آخرین ابزارهای سرکوب را خنثی و قشون سرکوبگر آنان را به کرات زمینگیر نموده است. اعتصاب ۲۳ اردیبهشت‌ماه، برجسته‌ترین نمونه‌ی اعتصابات الهام گرفته از ۲۲ تیرماه بود که به همت و هم‌اندیشی تمامی مردم و سازمان‌های سیاسی و مدنی کردستان جامعه‌ی عمل پوشید و فضای سرکوب و خفقان و اعدام حاکم بر ایران را تحت‌الشعاع خود قرار داد. این اعتصاب همچنین نشان داد که جامعه‌ی کردستان اگر چه مهد تنوعات و گوناگونی‌های سیاسی، فرهنگی، عقیدتی و ... است، اما در لحظات سرنوشت‌ساز و هنگامی که پای مصالح و منافع استراتژیک و ملی در میان باشد، همبستگی و انسجام را در عمل سیاسی خویش معنا خواهد کرد.

نمایش می‌گذاشتند. اعتصاب سراسری کردستان در ۲۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۹، در لحظه‌ای مناسب و موقعیتی حساس جهانیان را به عظمت روح این ملت بیدار و شجاع آگاه نمود و آنان را که در هراسی پایان‌ناپذیر و سکوتی سنگین فرورفته بودند، شجاعتی دگرباره داد و الگوی مبارزاتی درخشانی را عرضه نمود که تا مدت‌ها، حتی تحسین دشمنان خود را نیز برانگیخت و آنان را ناچار به اعتراف به این حقیقت نمود که در برابر پویایی و صلابت جنبش اصیل کردستان درمانده‌اند و تیغشان بر تنه‌ی استوار این سرو ستبر کارگر نیست. چند دهه مقاومت در تمامی اشکال مشروع و انسانی خود، کردستان را چنان نیرو و آگاهی مبارزاتی بخشیده است که ترفندها و فشارهای جمهوری اسلامی در این نقطه از جغرافیای دیکتاتورزده‌ی ایران بلااثر و نقش بر آب مانده است. کردستان در چند سال گذشته سنت اعتصابات سراسری

توقف و واژگونی این قطار شوم را بر عهده داشت. قطاری که همه جا با پرچم‌های سفید و بعضاً بغض‌های فروخورده و فریادهای در گلوخته از آن استقبال می‌شد و پیروزمندانه به راهش ادامه می‌داد تا به همراه خود، فرشته‌ی مرگ را در یک تور سیاحتی گرداگرد ایران مشایعت نموده و بذر رعب و وحشت در دل‌ها بپاشد. کردستان اما بیدی نبود که با این پادها بلرزد، تاریخ کردستان هم این را به جلادان سرمست از پیروزی‌های آنی و ظاهری‌شان نشان داده بود. اینک چهار روز از پرواز سرخ فرزند و یارانش می‌گذشت و کردستان ایستقن حوادثی تازه بود. کردستان زخم از دست دادن فرزندان‌ش را با خیزشی شکوهمند التیام می‌بخشید و در این راه تمامی مردم، گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب سیاسی کردستان، همدل و همصدا در برابر اردوی قاتلان آزادی و هویتشان صف کشیده و نمادی از مبارزات مدرن و انسانی خود را در تقابل با تحجر و وحشیگری به

میراث گذشتگان یا امانت آیندگان؟!؟



این تپه‌های به ظاهر بی‌اهمیت شاهدان و حاملان این دگرگونی هستند. اما چه سود که انسان امروزی در چنبره‌ی پول و امکانات مادی گرفتار شده برای گردآوری اندکی ثروت و مال بیشتر تیشه به ریشه‌ی این شاهدان صبور می‌زند و از آن بدتر با دیده‌ی حقارت به آنان می‌نگرد، چرا که نه کاخند و نه قلعه و نه کاروانسرا و به عنوان مثال در بررسی ۳۵ سال پیش محدوده‌ی دریاچه‌ی ارومیه ۵۲ محوطه از دوره‌ی نوسنگی شناسایی و ثبت شده که در بازبینی ۴ سال پیش این محوطه‌ها، تنها ۳ مورد از آنان باقی بود که شاید آن سه نیز هم‌اکنون به سرنوشت دیگران دچار شده باشند. علاوه بر کاستی‌های دولتی‌های مسئولیت ما نیز خود در این امر نقش داریم چرا که آینده‌ی خود را از جا بر می‌کنیم و بی‌اندک تأسفی برای گذران روزمره صرف می‌کنیم. دولت‌ها با ایجاد جنگ‌های خانمان‌سوز، توسعه‌ی صنایع و زیرساخت‌ها بدون همکاری با باستان‌شناسان و عدم آگاهی رسانی صحیح در این روند نابودی تأثیر داشته‌اند. تنها می‌توان امید داشت که با بالا رفتن سطح آگاهی و فرهنگ، ما مردمان درک کنیم که این آثار نه میراث گذشتگان که امانت آیندگان در دست ما هستند؛ این آثار نه مال من و نه مال ما بلکه متعلق به تمام بشریت، فارغ از مکان و زمان بوده و ما با نگهداری و پاسداری از آن‌ها شعور و فرهنگ والای خود را به رخ کشیده‌ایم.

به وسیله‌ی کشاورزان تسطیح می‌شوند؛ و دردآورتر آن که بسیاری اعم از مردم و دولتمردان اصلاً این محوطه‌ها را میراث فرهنگی ندانسته و تنها به عنوان محلی برای یافتن گنج به آنها نگاه می‌کنند. در واقع بنا به ضرب‌المثل "عقل مردم به چشمشان است"، اغلب افراد بناهایی مانند قلعه‌ی هولیس را با اهمیت‌تر از فلان تپه‌ی دوره‌ی نوسنگی قدیم می‌دانند؛ غافل از آن که به طور مثال اعتبار کردستان در باستان‌شناسی دنیا به واسطه‌ی وجود محوطه‌های فراوان دوره‌های نوسنگی قدیم و جدید است. دوره‌هایی که مؤلفه‌های اصلی آنها خروج انسان از غار و آغاز یکجانشینی و کشاورزی است. در واقع بر اساس شواهد باستان‌شناسی بسیاری از تحولات اصلی زندگی بشر از قبیل یکجانشینی و گسترش کشاورزی و اهلی‌سازی جانوران در محدوده‌ی کردستان اتفاق افتاده و

بازتاب

حجاب بیست هزار تومانی

باران

روزی نیست که با رویدادهای عجیب و غریبی در جمهوری اسلامی روبرو نشویم، رویدادهایی که انسان را متحیر می سازد. تا دیروز، با تهدید و ترعیب و حتی پاشیدن اسید به صورت دختران و زنان، سعی در مجبور ساختن آنها به رعایت حجاب اسلامی می کردند و امروز با پرداخت پول به این امر می پردازند. در دانشگاه علامه طباطبایی به هر دختر دانشجویی که حجاب را رعایت نکند، بیست هزار تومان می پردازند تا آن را رعایت کند. این دانشگاه از لحاظ تفکیک کلاس های پسران و دختران تاکنون از دیگر دانشگاه ها جلوتر است و گفته می شود که اغلب پروژه های اسلامی کردن هر چه بیشتر دانشگاه ها، ابتدا در این دانشگاه آزموده می شوند. بدین ترتیب، شاید پرداخت این پول برای رعایت حجاب در آینده در دیگر دانشگاه ها اجرایی شود و در سایر حیطه ها هم به اجرا گذاشته شود.

اگرچه شاید این موضوع آنچنان مهم به نظر نیاید و ظاهراً جزو تلاشهای رژیم برای تحمیل برون یافتن های مذهبی ایدئولوژی اش بر جامعه به نظر آید، اما به هر حال نمونه ای قابل توجه دیگری است برای تأکید بر گسترش هرج و مرج در رژیم و هرچه بیشتر به بن بست رسیدن ایدئولوژی آن. جمهوری اسلامی در بدو روی کار آمدنش با اتکا به عناصر یک سیستم توتالیتر، جایگاه خود را مستحکم تر کرد، به نحوی که بیرون آمدن یک تار موی زنی به نحوی از انجا برضد ایدئولوژی قلمداد می گشت که ستون اصلی سیستم بود. همچنان که در همه سیستم های مشابه دیده شده است، انتظار می رفت با گذشت زمان و بر ملا شدن این حقیقت که نه تنها مدینه فاضله ای تحقق نخواهد یافت، بلکه مشکلات و موانع در عرصه های گوناگون بیشتر و گسترده تر خواهند شد و همچنین با افزایش سطح آگاهی عمومی جامعه و تسریع هر چه بیشتر ابزارهای ارتباط همگانی، عناصر تشکیل دهنده توتالیترسیم در رژیم روز به روز ضعیف تر شوند که چنین نیز شد. اعتقادات مذهبی مردم به سبب فساد این رژیم که سنگ مذهب به سینه می زند، ضعیف تر شد، جنگ میان حاکمان بر سر پول مردم به اوج رسید، بخش عمده ی باورمندان مذهب شیعه، اصلاً خامنه ای را به عنوان رهبر قبول ندارند، ادعای ایجاد مدینه فاضله به پایان رسیده و در این زمینه حتی آب پاکی هم بر دست بسیجی های تندرو ریختند و بسی عوامل دیگر که همگی موجب غیر قابل تعریف شدن بیش از پیش رژیم شدند، به گونه ای که خود نیز نمی دانند چکار کرده و به کدام سو حرکت کنند.

همان سر نوشت پروژه ی پاکسازی دانشگاه ها از استادان دگر اندیش در انتظار پروژه ی پرداخت پول به زنان برای رعایت حجاب است. سی و چند سال است که مشغول اخراج استادان دگر اندیش از دانشگاه ها هستند و پذیرش دانشجو و استاد را سخت تر می کنند، اما باز هم کار به پایان نرسیده و موفق نشده اند که به نتایج مطلوب خود دست یابند، زیرا بخشی از دانشجویان و استادان از روی اجبار تظاهر می کنند که به رژیم معتقدند اما عملاً اعتقادی به آن نداشته و حتی رژیم را دشمن می پندارند.

تیم ملی فوتبال کردستان نخستین بازی خود را با پیروزی به پایان رساند



فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا) به رسمیت شناخته شده و این تیم اجازه شرکت در مسابقات بین المللی مختلف در سطح ملی را یافته است. به رسمیت شناخته شدن عضویت تیم ملی کردستان توسط فیفا در این فدراسیون، خوشحالی طرفداران فوتبال در سرتاسر بخشهای چهارگانه ی کردستان را به دنبال داشته است.

در دقیقه ۵۵ گل های تیم ملی کردستان را به ثمر رساندند و اسماعیل عیسی تک گل موریتانی را در دقیقه ۷۵ به ثمر رساند. در پایان بازی نیز کوسرت بایز از تیم کردستان جایزه ی بهترین بازیکن میدان را از آن خود کرد و از سوی هیأت برگزارکننده ی تورنمنت نیز مورد تشویق قرار گرفت.

به تازگی "تیم ملی کردستان" از سوی داد، بیشتر تیم ها با تیم دوم یا تیم المپیک خود در این مسابقات شرکت کرده بودند، اما موریتانی با تیم اصلی به میدان آمده بود. در آغاز بازی، سرود ملی موریتانی و سپس سرود ملی کردستان در ورزشگاه پخش شد و پرچم کردستان به اهتزاز درآمد، در این بازی امانج عمر در دقیقه ۱۲، کارزان عبدالله در دقیقه ۴۴ و کوسرت بایز

تیم ملی فوتبال کردستان نخستین پیروزی خود را به ثبت رساند. این تیم بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۱ در ورزشگاه ماجد شهر رام الله فلسطین و در چارچوب تورنمنت چند جانبه ی فلسطین و با انجام نخستین بازی رسمی و بین المللی خود، پیروزی بزرگی را ثبت کرد و با نتیجه ۳-۱ تیم ملی موریتانی را شکست

شاهین نجفی به یکی از دادگاه های آلمان شکایت کرد



شهریار آحادی، مدیر برنامه های شاهین نجفی گفته است که مبلغ ۱۰۰ هزار دلار و سوسه برانگیز است، به همین دلیل از پلیس آلمان خواسته تا حفاظت از جان شاهین نجفی را به عهده بگیرد. وی افزود، شاهین نجفی در حال حاضر به شکل مخفی زندگی می کند و تصمیم دارد برای مصونیت از سوء قصد، مدتی از نظار عمومی پنهان شود. شاهین نجفی، ۳۱ ساله، مدتی از خوانندگان آهنگ های زیرزمینی در ایران بود که پس از محرومیت از فعالیت هنری به کشور آلمان پناهنده شد.

وی یکی از منتقدترین خوانندگان کنونی ایران است که با دفاع از آزادی و افشای سیاست های ضد بشری جمهوری اسلامی در آهنگ هایش توانسته است هواداران بسیاری در میان ایرانیان پیدا کند.

شاهین نجفی، خواننده رب، بعد از گذشت چند روز از صدور فتوای ارتداد وی، اقدام به تنظیم شکایتی در یکی از دادگاه های آلمان علیه آیت الله صافی گلپایگانی، از مراجع تقلید قم نمود که با صدور فتوایی ریختن خون او را مباح اعلام نموده است.

حکم ارتداد شاهین نجفی پس از آن صادر شد که این خواننده ی ایرانی، آهنگی جنجال برانگیز با عنوان "تقی" منتشر کرد. آیت الله صافی و همفکرانش بر این باورند که در این آهنگ به امام تقی، امام دهم شیعیان هتاک شده است.

سایت "شیعه آنلاین" از تعیین جایزه ای ۱۰۰ هزار دلاری برای قتل شاهین نجفی خبر داد. سایت العربیه نیز به نقل از روزنامه ی الشرق الاوسط گزارش داد که

کودکان محروم از تحصیل و کودکان خیابانی



گزارش یک منبع غیردولتی ۵۸۰۰ هزار کودک خیابانی در ایران وجود دارند و ۲/۵ میلیون کودک دیگر در معرض خطر تبدیل شدن به کودکان خیابانی قرار دارند.

طبق تازه ترین آمارهای جمهوری اسلامی، ۴/۵ میلیون کودک در ایران از تحصیل محروم هستند و این یعنی یک چهارم کودکان ایرانی. همچنین براساس